

سامان‌دهی "کنگره ملی" بر اساس اتحاد عمل فعالان و نیروهای سیاسی آزادیخواه

مهندس امیر انتظام عضو هیأت رهبری جمهوری اسلامی ایران در آخرین بیانیه خود با عنوان "بیست و شش سال: زمانی برای آموختن" بالازنگارانی شدید از اوضاع نابسامان کشور و فشارهای همه جانبه بر مردم، مطالب چندی را باملت ایران در میان گذارده و طی آن با توجه به شرایط بحرانی ایران، همه فعالان و نیروهای سیاسی تلاشگر در راه استقرار دمکراتی و حاکمیت ملی را به حضور برای سامان‌دهی "کنگره ملی" فراخوانده است.

در اینجا فشرده‌ای از بیانیه را به آگاهی هم می‌دانم عزیز می‌رسانیم:

هموطنان عزیزم، بیست و شش سال از بیست و هشت آذر ماه می‌گذرد. تاریخ با دو چهره متفاوت برای من و جنایتکاران حکومت اسلامی ایران رقم می‌خورد. برای نظام اسلامی این تاریخ آغازی برای نادیده گرفتن منافع ملی و حقوق ملت ایران، امامین در این روز تولد دیگری یافتم تولدی در خود و تولدی از خود، تولدی برای مبارزه در راه آزادی و استقلال کشوم، در آفرینش مبارک با تاریخ مبارزات ملت ایران در نقطه تلاقی مرگ و زندگی، من از گذشته خویش نو شدم و در نو زیاشی از درون من به دنیا چندی‌رای راه یافت که در آن هر روز می‌بايست می‌آموختم، و آموختم.

برایه تجارت فردی براین باورم که امروز بیش از هر زمان دیگری به ترویج فرهنگ عاری از خشونت و همزیستی مسالمت آمیز نیازمندیم، ناتوانی مستولان حکومت در تأمین رفاه، عدالت، امنیت، اشتغال، بهداشت و آموزش و شرایط سالم زندگی برای مردم و بخصوص جوانان از یکطرف و چاه طلبی خیال پردازان و ماجراجویی در صحنه بین‌المللی و عدم درک شرایط حاکم بر مناسبات بین‌المللی از سوی دیگر حکومت اسلامی را در شرایط بسیار بحرانی قرارداده است. نظامی که از جل کوچکترین مشکلات داخلی عاجز بوده و هر لحظه در آن بر تعداد معتمدان، بیکاران، بیماران، قربانیان حوادث رانندگی و هوابی، زندانیان، مرگمان ناشی از آلودگی هوای نامنی افزوده می‌شود و برای سریوش گذاشتن به ناکامی‌های خود به ماجراجویی هسته‌ای روی آورده و بدون رانه گوارشی دقیق و میزان هزینه‌هایه ملت ایران، بانادیده گرفتن حقوق مردم بخصوص اقتدار آسیب پذیر جامعه، هیاهوی تبلیغاتی راه اندخته است.

حکومتگران حق ندارند احساسات ملی و استقلال طلبانه ملت ایران را وسیله‌ای برای چپاول ثروت ملی قرار داده و با منحرف کردن افکار عمومی از زندگی مصیبت بار اقسام آسیب پذیر و زحمتکشان و تقاض گسترده حقوق بشر ماجراجویی هسته‌ای را به یک مسئله‌ای ملی تبدیل کرده و هزینه‌ی ماجراجویی خود را به ملت ایران تحمیل کنند. بحران ناشی از بی‌تدبیری، بی‌مسئولیتی، فربکاری، ماجراجویی، تنش آفرینی سران نظام، کشور ایران را بسوی آینده‌ای نامعلوم پیش می‌برد. از سوی دیگر مردم خشمگین و مستحصل، متصرف فرضیه‌ای برای انتقام گیری هستند و این مسئله‌مرا بیش از هر زمان دیگر نسبت به آینده‌ی کشور نگران می‌کند و بیم آن دارم که اتفاق‌های اجتماعی کنترل امور را از دست همه خارج کرده و تاب اتفاق گیری جامعه را در شعله‌های خشم گرفتار نماید.

تصور من بر این است که اینک بیش از هر زمان دیگر ضرورت برقراری گفت و شنود منطقی و سازنده‌ی اقسام احساسات می‌شود. همه‌ی مأوظفه داریم که از فرسته‌ها و پتانسیل‌های موجود در جامعه استفاده کرده و جنبش ملی آماده سازی ایران برای همزیستی مسالمت آمیز و آینده‌ای عاری از خشونت آماده سازیم. همچنین بایستی برایه‌ی ترویج فرهنگ صلح پایدار و همزیستی مسالمت آمیز و گسترش فضای تفاهم و همدلی نیروهای اجتماعی، را به حرکت در آورده و کنگره‌ی ملی را بر اساس اتحاد عمل نیروهای سیاسی بر محور اصول مبنای تشکیل داد. آغاز گفت و گویی سازنده‌ی بین‌ندهاده‌ای اجتماعی از خانواده گرفته تا احزاب و گروههای سیاسی و مدافعان حقوق بشر، زمینه را برای بردن رفت از بحران هموار کرده و نیروهای بیشتری را بامبارزات مردم همراه خواهد نمود. دست همه کوشندگان و تلاشگران راه آزادی و توسعه‌ی پایدار ایران را برای پیدا کردن راه کارهای برای تشکیل کنگره‌ی ملی ایران می‌شمارم و در انتظار دریافت اخبار کامیابی‌های نیروهای سیاسی و مدافعان حقوق بشر می‌مانم.

"ملت ایران در برابر یک بن بست بزرگ"

پرویز و رجاوند: بیستی‌دهم، دیلماسی امروز در جهان دیگر کردن اینکه یک کشوری، حتاً یک کشور پرقدرت جهانی، قادر بر این باشد که مطلبی را بگوید و بخواهد روی آن مطلب باستندا و پاشاری داشته باشد برای قبولاندن نظر خودش، حتاً اگر آن نظر یک چارچوبهای حقوقی منطقی ای را داشته باشد، نیست. بله، ایران در چارچوب ام برای تی حق غنی‌سازی اوراینوم را دارد. ولی چه بخواهیم، چه تغایریم، عملکردی که از دوران بعد از انقلاب آغاز شده است تا بحال که با داستان گروگانگیری شروع می‌شود و تداوم پیدا می‌کند در ابعاد مختلف، یک فضایی را در دنیا بوجود آورده است که فضای تقابل با سیاست خارجی ایران است. از سوی دیگر، در طول این دوران حاکمیت در قبال مسائل درونی نتوانسته است نحوه‌ای عمل داشته باشد، نیست. بله، ایران در چارچوب ام را در این دوران حاکمیت ملی در کلان در مسائل اساسی، مثل حقوق بشر در ایران، مثل حاکمیت ملی در ایران بشدت خدشه داربوده است. بنابراین، قدرت‌های جهانی که در صدد ایجاد تغییراتی بنیادی که در بعد کلان در منطقه خاورمیانه و حتاً فراتر از آن خاورمیانه‌ی بزرگ هستند از این موقعیتی که بوجود آمده، موقعیت بشدت نامناسب از یکسو، و موقعیت تنش آفرین و به اصطلاح بدخوردهای غیرمنظره این دنیا برای اینکه حاکمیت ایران را در آن پیدا کند، بخودش اجازه داده است که از مجموعه‌ی این فرسته‌ها بگیرد برای اینکه حاکمیت ایران از آن دفاع نکند، محروم شدند، با عملکرد بد خودش در قبال ملت ایران که از منطقی است که ایران از آن دفاع نکند، معمول نکند، با عملکرد بد خودش در قبال ملت ایران که از نحوه‌ای ساختار دور از دمکراسی در ایران نارضایی دارد، شرایطی را بوجود آورده است که این شرایط می‌تواند ملت ایران را در برابر یک بن بست بسیار مهمی قرار بدهد که این بن بست هم طمعه‌ای سنجیگیری را به ملت ایران وارد خواهد کرد. چون بی‌بروگرد قدرت‌های جهانی اصلاً ذهنیت اینکه ملت ایران را از سمتی ملتفت از این مجموعه ای در این دوران بخواهند جدا کنند، ندانند. یعنی اگر قرار بشود که به این مملکت و به زیرساخت هایش حمله و ضربه زده شود، این حمله مستقیم به ملت ایران وارد می‌شود و که صاحبان قدرت هم نخواهند گزید. بنابراین می‌خواهیم بگویم که در عمل شرایطی بوجود آمده که ملت ایران در تگنا قرار گرفته است و بهر حال امروز جامعه ایران را یک التهابی فراگرفته که معلم نیست فردی ایران با بخوردها و موضعگیری هایی که ممکن است در شورای امنیت در چارچوب تحریم ها، از تحریم های هوشمند گرفته تا فراتر از آن و تابرخوردهای نظامی، چه خواهد بود.

دیچه وله: آقای دکتر و رجاوند، آمریکا خواهان آن بود که ۵ عضو دائمی شورای امنیت بیانیه‌ی مشترکی در برابر ایران صادر کنند. اینکار صورت نگرفت و آنها هر کدام آمدنند و جداگانه بیانیه دادند. آخرین سوال من از شما اینست که آیا این می‌تواند بعنوان فرجه‌ای برای ایران تلقی بشود، موقعیتی که متواند از آن به نفع خودش بگیرد بود؟

پرویز و رجاوند: این واقعه به گونه‌ای یک تفکیک کاملاً درست بود و آن عبارت از اینست که او لا هم اتحادیه اروپا و هم دو کشور اروپایی دارای حق وتو در سازمان ملل و در شورای امنیت از یکسو، چین و روسیه هم از سوی دیگر اگر می‌خواستند در این فضای موجود در قبال اعلامیه‌ای یک کاسه و یک چایان کار را بکنند، اعتبار و موقعیت به اصطلاح "چانه زنی" خودشان را که بهر حال در باغی دلخواه با امریکا دارند، بکلی از دست می‌دادند و قدرت مانور خودشان را در منطقه خاورمیانه از دست می‌دادند. یعنی این استبانته بوجود آمده که آمریکا قادر برایست که در قبال یک اجماع خیلی روشن و شفاف همه‌ی این قدرت را به دنیا خودش بیاورد. بنابراین، آنها با معادلاتی که دارند (عنوان مثال) الان بمقادیر فراوان فرانسه فرض کنید دلش می‌خواهد در منطقه خاورمیانه در لبنان به دلیل سوابق و پیشینه اش نقش آفرین باشد. الان انگلستان در خاورمیانه در عین حالی که خودش را به امریکا گره زده است، دلش می‌خواهد به اعتبار پیشینه‌ی استعماری طلائی مدت خودش قدرت مانور خاص خودش را داشته باشد. چین و روسیه هم در صدد این هستند که هم برای ایجاد بازارهای اقتصادی شان، هم برای نفوذ سیاسی شان، هنوز روسیه می‌خواهد در آسیا مركزی در فقار از صاحب نفوذ باشد و چین می‌خواهد و چین می‌خواهد تو لاش می‌کند این نفوذ را گام به گام بدست بیاورد. بنابراین از نظر استراتژی کلانی که هریک از اینها دارند، بهچوچه منطقی به نظر نمی‌رسد که کاری را که باشد در داخل جلسه‌ی شورای امنیت انجام بدهند با یک فاصله‌ی زمانی در قبال یک اعلامیه انجام بدهند. و این به اعتقاد من فرضی را فراهم آورده است تا اینکه ایران قدرت مانور واقعی و واقعیت‌انهای خودش را بکار بگیرد که از این نحوی عملکرد بتواند بهر یکی از این معرفت این معرفت و این شرایط بسیار پیچیده و بحرانی خودش را ساماندهی کند.